هفته نامهٔ
مجاهد
وآنان که در راه ما با جان ومال جهاکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم
ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان



از فرموده های شهید صلح

بازار آزاد مقدس نیست. اصلاً مصالح مردم، منافع و حیات مردم مقدس است. ما چقدر در گرو یک روشی قرار گرفته ایم که آزادی های اقتصادی ما را زیر سوال برده است.

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ اول ۱۲ حمل ۱۳۹۱ ۸ جمادی الاول ۱۴۳۳ - 31 March 2012

نوروز، بهانه ای برای همگرائی



روز یکشنبه ششم حمل سران کشور های تاجیکستان، افغانستان، ایران و پاکستان در دوشنبه پایتخت تاجیکستان گرد هم آمدند تا در نشست های سه جانبه و چهارجانبه با هم شرکت نمایند. بهانهٔ این نشست، جشن نوروز بود، اما در این نشست روی همکاری های اقتصادی و امنیتی میان چهار کشور بحث و تبادل نظر صورت گرفت. احمدی نژاد در مورد این نشست گفت که، هدف اصلی این اجلاس تقویت روابط کابل – و حل مسایل مربوط به روابط بین این دو کشور بود. در این اجلاس روی احداث شبکه های راه و خطوط آهن میان این کشور ها نیز صحبت صورت گرفت.

همزمان با این نشست، پنجمین دور کنفرانس همکاری های اقتصادی منطقوی برای افغانستان با شرکت هفتاد کشور نیز انعقاد یافت. در این نشست، تعهد مالی صورت نگرفت بلکه در جهت توسعهٔ همکاری های منطقوی به منظور بازسازی افغانستان بحث هایی به عمل آمد. موضوع توسعهٔ اقتصادی از طریق ایجاد زیر بناهای مواصلات و انرژی، توسعه منابع بشری در سطح منطقه، تعلیمات و آموزش های اقتصادی و هم چنان سرمایه گذاری، تجارت و ترانزیت البته به اشتراک سازمان های منطقوی و بین المللی در افغانستان. ص۵

فرماندهٔ ارشد نظامی امریکا:

به زودی اعلان انتقال مسوولیت ها به نیروهای افغانستان را در مناطقی روی دست خواهیم گرفت که ۷۵ درصد نفوس افغانستان در آنجا ساکن اند

یک مقام ارشد نظامی امریکایی به رسانه ها گفته است که، نیروهای امنیتی افغانستان به زودی مسؤولیت تأمین امنیت ۷۵ درصد نفوس افغانستان را خواهندگرفت.

ادمیرل جیمز ستاوریدز فرماندهٔ ارشد نظامی امریکای که فرماندهی مرکزی امریکا در اروپا را به عهده دارد، همچنان گفته است که با وجود حملات و حوادث اخیر که در آن سربازان افغانستان همکاران ناتو شان را هدف قرار داده اند، آموزش و پرورش نیروهای ارتش و پولیس افغانستان به خوبی به پیش می رود. ادمیرل ستاوریدز گفت، به زودی اعلان انتقال مسوولیت ها به نیروهای افغانستان را در مناطقی خواهیم کرد که ۷۵ درصد نفوس افغانستان در آنجا ساکن اند. وی این مطلب را در یک مصاحبه با آژانس خبری اسوشیتد پرس بیان کرد اما زمان دقیق این اعلان را نگفته است.

قرار است رهبران ناتو در اجلاس ماه می ص۶

پنهان کاری های پس از فاجعه
ص۲

به امنیت و کیفیت معارف توجه شود
ص۲

حق چاپ محفوظ است!
ص۵

درخت دوستی بنشانیم و نهال دشمنی را بر کنیم
ص۷

د تیر یو کال د مهو پیښو په رڼا کې د راتلونکې ارزونه

رفیق بحر

د بن له لومړي کنفراس راهیسې په تیرو لسو کلونو کې تیر شمسي کال، هیواد له بل هر کال څخه زیات د نا امنیو او خونړیو پیښو او بدلونو شاهد وو او هم د افغانستان په اړه ګڼې نړیوالې غونډې او په ملي سطحه کنفرانسونه او غونډې جوړې شوې وې.

پدې لیکنه کې غواړو چې د تیرکال مهمو پیښو او جریاناتو او هم کنفرانسونو او غونډو ته یوه ځغلنده کتنه وکړو او د هغې په رڼا کې راتلونکی کال وارزوو.

لکه چې تیر کال نړیوالو رسنیو او پخپله د امریکا متحده ایالاتو او ناتو دا انګیرلې وه چې را روان کال به په افغانستان یو خونړی کال وي، هماغسې وشو او د امریکا د اوسني ولسمشر په استراتیژۍ کې هم تیر کال د افغانستان لپاره یو خونړی کال ګڼل شوی وو. د تیر کال مهمې پیښې په دریو ډولونو ویشو:

اول- د مهمو څیرو وژل کیدل:

د تیر یو کال په دوران کې د دولت ځینې مهمې نظامي څیرې د افغانستان د دولت د مخالفینو لخوا ترور کړای شوې چې په هغو کې د جهاد او مقاومت مشر استاد برهان الدین رباني په شمول ګڼ شمیر نظامي څیرې شاملې وې؛ د هیواد په شمال کې د انجینر محمد عمر وژل کیدو وروسته قوماندان سیدخیلی، جنرال محمد داوود، جنرال شاه جهان نوری او په کندهار کې د حامد کرزي ورور احمد ولي کرزی. قوماندان خان محمد او ددغه ولایت ښاروال په بیلا بیلو پیښو کې د دولت د مخالفینو ټارګټ وګرځیدل او هم په پایتخت کابل کې د ولسمشر کرزي سلاکار قومي مشر جان محمد آکا او د ولسي جرګې یو تن غړی محمد هاشم او وروسته د سنبلې په میاشت کې د سولې د عالي شورا مشر او جهادي پیاوړی رهبر ۷مخ

تأخیر در تصویب بودجه مشکلات مردم را مضاعف می سازد



مجلس نمایندگان بودجهٔ سال ۱۳۹۱ خوشیدی را چندی پیش به دلیل نا متوازن بودن آن با اکثریت آرا رد کرده بود. یکی از دلایل اصلی مجلس نمایندگان افغانستان برای رد بودجه سال ۱۳۹۱ این است که سهم ولایات مختلف افغانستان در طرح بودجه، به ویژه در بخش توسعهٔ یی، به صورت عادلانه و متوازن در نظر گرفته نشده است. این مجلس به طور مثال از ولایت های حوزهٔ مرکزی کشور نام برده اند که این ولایت ها به راه سازی و تطبیق برنامه های عمرانی نیاز دارند، به گفتهٔ اعضای مجلس، در تخصیص بودجهٔ توسعوی این ولایت ها، به این مسئله کمتر توجه شده است.

به همین گونه در ولایت های دیگری حوزه های غرب و شمال که نیاز اشد به توسعه دارند در طرح بودجه سال ۱۳۹۱ کمترتوجه شده است. از سوی دیگر، مقامات وزارت مالیه در جواب به این انتقادها گفته بودندکه اجرای پروژه های بزرگ در زمینه های مختلف، از جمله راه سازی و تولید نیروی برق در ولایات مختلف به طور یکسان امکان پذیر نیست.

عمر زاخیلوال در مجلس سنای کشور گفته بود: پروژه هایی که اشتغالزا هستند، پروژه هایی که رشد اقتصادی ص۶

سوریه در جهنم دکتاتور قرن

بهاری که دکتاتورهای تونس، مصر، لیبیا و یمن را روانهٔ زندان و محاکمه قهر ملت ها کرد و تازه گل های این بهار چمن آرای آنند. دکتاتور سوریه با میراثی که از پدر خویش در چهره و قد و قامت و سفاکی و خونریزی به دست دارد، چنان جهنمی را ایجاد کرده است که روی تزار و چنگیز هم در پیش آن سفید است.
ص۳

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

مؤسس: استاد برهان الدین ربانی

سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی

ناشر : دفتر فرهنگی

زیر نظر هیأت تحریر

آدرس: کابل تایمنی سابقه سرک دوم خانه نمبر ۴۵

شمارهٔ تلفن: ۰۷۸۸۴۰۸۶۳۵ / ۰۷۷۲۰۳۶۴۱۲

Website: www.mujahedweekly.com

E-mail: Mujahid1357@Yahoo& hotmail .com

سرمقاله

به امنیت و کیفیت معارف توجه شود

صدای زنگی که در شروع سال تعلیمی به طور سمبولیک از طرف سران کشور و در مکاتب و مدارس نهادهای تعلیمی همه روزه به صدا در می آید، فراخوانی است که اطفال و نوجوانان واجد شرایط کشور را به سوی فراگیری تعلیم و تربیت فرا می خواند. این فراخوانی و رفتن به سوی نهادهای تعلیمی و تربیتی ایجاب مدیریت سالم و دلسوز را.می نماید تا فضای باورمندی را میان نهادهای تعلیمی و اولیای دانش آموزان ایجاد نماید.

از همه مهمتر تأمین امنیت است که دروازه های نهادهای تعلیمی را به رخ دانش آموزان باز می سازد. طبق آمار وزارت معارف، حدود ۵۵۰ باب مکاتب در اثر ناامنی در نُه ولایت کشور به رخ دانش آموزان بسته است که دوصد هزار طفل و نوجوان میهن مان از فراگیری تعلیم و تربیت باز مانده اند. این ضربهٔ محکمی است که طعم تلخ آن را فرزندان کشورما می چشند.

در جنگ و ناامنی، هرگاه خسارات مالی متوجه هموطنان ما شود و یا رُعب و وحشت جنگ، خواهی نخواهی روزی برطرف شدنی است که هر جنگی در نهایت منتج به صلح و آرامش می گردد، اما اینکه نونهالان و جوانان کشور از تعلیم و تربیت باز بمانند و این دوره را که دورهٔ آموزش شان است، از دست دهند، نمی توان جبیره کرد. در آینده به یقین که برخی از این جوانان بار دوش خود و جامعه خواهند بود.

تعلیم و تربیت است که در مرحلهٔ اول خود انسان را می سازد و در مرحلهٔ بعدی، انسان برخوردار از تعلیم و تربیت است که در توسعه و شگوفایی جامعه و کشور سهم می گیرد.

گرچه در یک دههٔ اخیر پیشرفت های در عرصهٔ تعلیم و تربیت صورت گرفته است، از جانب وزارت معارف برنامه های توسعه ای روی دست گرفته شده، اما باز هم در کیفیت مشکلاتی به نظر می رسد که ناشی از کمبود معلمان مسلکی و عدم رسیدگی معلمان به درس، (نسبت کمی معاش دنبال شغل دومی اند) می باشند. بر دولت و مسوولین است تا به این امر مهم توجه جدی داشته باشند.

به جای اینکه با ایجاد مکاتب خصوصی، وزارت معارف در رقابت قرار داشته باشد، دیده می شود، مردمانی که از وضعیت اقتصاد بهتری برخوردار اند، رجوع شان به آن طرف بیشتر شده است و اذعان می دارند که مکاتب خصوصی نسبت به معارف از کیفیت بهتری بهره مند اند.

جمعیت اسلامی افغانستان که مدافع سرسخت تعلیم و تربیت فرزندان کشور است، از مخالفین مسلح دولت مجدانه می طلبد از آنجایی که پیغمبر اکرم محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم ارشاد فرموده است: «طلب علم بر هر مرد و زن مسلمان فرض است.» از مخالفت دست بکشند، راه صلح و آشتی را که خداوند «خیر» خوانده است پیشه کنند و دروازه های کانون های تعلیم و تربیت را به روی آینده سازان کشور نبندند.

جمعیت اسلامی افغانستان حتا در دشوارترین شرایط (دوره های جهاد و مقاومت مردم افغانستان) مکاتب دوره های ابتدائیه، متوسطه، ثانوی، مدارس تعلیمات دینی، دارالحفاظ ها و پوهنتون ها برای دختران و پسران را در داخل کشور و در محیط هجرت تأسیس و مدیریت کرد و مشعل علم و دانش را فروزان نگهداشت. همچنان در بخش های نظامی، با تأسیس حربی ښوونځی و حربی پوهنتون و اکادیمی پولیس، تا پیروزی جهاد (۸ ثور ۱۳۷۱) چندین دوره فارغ داد که اکثر ایشان در اردو و پولیس ملی جذب و در خدمت قرار دارند.

پنهان کاری های پس از فاجعه

◇ **وحید مژده**

آنشب هم روستائیان روستاهای منطقهٔ زنگ آباد ولایت قندهار در خانه های گِلی خویش آرمیده بودند. آنها بعد از ظهر، شاهد پرواز هلیکوپتر های نیروهای ناتو بر فراز روستا های شان بودند که خبر خوشی نبود. شب هنگام شاید خارجی ها به روستا یورش آورند. به همین دلیل تعداد زیادی از جوانان آنشب روستا ها را ترک کرده بودند.

ساکنان منطقهٔ زنگ آباد در ولسوالی پنجوائی قندهار بیشتر دهقانان بی زمین اند که روی زمین های دیگران کار می کنند و از حاصل زمین، نیم یا یک سوم آن را به دست می آورند. فقر و تنگدستی، آشنای دیرین اکثر خانواده های این روستاهاست.

نیمه شب یکشنبه ۱۲ مارچ مردم دو روستا در این منطقه با صدای غرش هلیکوپتر و سپس رگبار گلوله از خواب پریدند. مشخص نبود که چه اتفاقی افتاده اما روستائیان در طول ده سال گذشته عادت کرده اند که در چنین حالت از خانه بیرون نشوند زیرا سربازان خارجی در عملیات شبانه به سوی هر جنبده شلیک می کنند.

ناگهان لگد محکمی بدر خورد و سپس فضای تاریک اتاق محقر با نور خیره کننده ای روشن شد. صدای رگبار گلوله به آنانی که در بستر های خویش خوابیده بودند فرصت بلند شدن نداد... صدای جیغ قربانیان با رگبار درهم آمیخت و دود باروت آخرین بوئی بود که قربانیان این جنایت احساس کردند. کسانی که با نخستین گلوله ها کشته شدند، شانس آوردند و آنانی که مختصر رمقی در تن داشتند، در آتش سوختند. حمله آوران اجساد را آتش زدند و این کمال وحشیگری و کینهٔ آنان را نشان می داد. صدای رگبار دیگری از فاصلهٔ دور تر نیز به گوش رسید...

با روشن شدن هوا و فرارسیدن صبح، کسانی که از این حمله جان به سلامت برده بودند، کم کم از پناه گاه ها بیرون آمدند. به زودی مشخص شد که تعداد زیادی از مردم قربانی این حملهٔ وحشیانه شده اند. طبق آمار های رسمی که از جانب حکومت افغانستان به نشر رسیده این کشته شده ها شامل هشت طفل و چهار زن و چهار مرد سالخورده اند. اما مردم محل تعداد شهدا را خیلی بیشتر می دانند. حدود هشت نفر هم زخمی شده اند. یکی از شهدای این فاجعه فقط دوسال سن داشت.

روایتی که امریکائی ها از این جریان دارند با آنچه که شاهدان عینی می گویند کاملا متفاوت است. سخنگویان ناتو این جنایت هولناک را کار یک نفر می داند که گویا بیمار روانی بوده است اما مردم محل از فرود هلیکوپتر به نزدیکی این روستاها در زمان حادثه و حملهٔ یک گروه از سربازان مسلح خبر می دهند.

هیأت اعزامی از جانب حکومت افغانستان و پارلمان نیز همین حقیقت را تائید می کند که در شب فاجعه، جمعی از سربازان با هلیکوپتر به این روستا ها آمده بودند و شاهدان عینی از یورش گروهی نیروهای امریکایی در آن شب سخن می گویند. امریکائی ها با متهم کردن فقط یک سرباز، حقایق را یکسره وارونه جلوه می دهند.

علی الرغم خواست پارلمان افغانستان مبنی بر اینکه سرباز قاتل باید در افغانستان محاکمه شود، امریکایی ها او را به امریکا منتقل ساختند. وکیل مدافع با تجربه ای را هم برای دفاع از وی استخدام کردند. در نخستین دیدار وکیل مدافع از این سرباز جنایتکار، وی مدعی شد که موکلش از واقعهٔ آن شب هیچ چیزی را به خاطر ندارد! وی همچنان گفت که در مورد این جنایت هیچ مدرک و شاهدی نیز در دست نیست تا بر بنیاد آن بتوان سرباز مذکور را متهم دانست. واقعا همه مقدمات برای پنهان کاری فراهم آمده است. شاید فردا امریکایی ها ادعا کنند که این کار توسط طالبان و به منظور بدنام ساختن سربازان امریکایی صورت گرفته بود!

امریکایی ها با استناد به تفاهمنامه ای که گویا در سال ۲۰۰۳ با حکومت افغانستان امضاء کرده اند مدعی اند که هیچ سرباز امریکایی نمی تواند در افغانستان و مطابق به قوانین این کشور محاکمه شود. اینکه امریکایی ها به تفاهمنامه ای استناد می کنند که مخفیانه میان حکومت افغانستان و آنها به امضاء رسیده و پارلمان کشور هم پس از به میان آمدن در جریان آن قرار نداشته است و بنابراین در بطلان آن هیچ شکی وجود ندارد، پس می توان پیشبینی کرد که درصورت امضای تفاهمنامهٔ استراتژیک، سرنوشت افغانستان چگونه خواهد بود.

جنایت پنجوائی اندکی بعد از آن صورت می گیرد که سربازان امریکایی در پایگاه بگرام به قرآن مجید اهانت کردند که موجب تظاهرات گستردهٔ مردمی گردید و به کشته و مجروح شدن ده ها تن انجامید.

عکس العمل در حد تظاهرات مردمی محدود نماند. در یک مورد دو تن از مشاوران عالیرتبهٔ امریکائی در دفتر کار شان در وزارت داخله به ضرب گلوله به شکل مرموزی کشته شدند. تعدادی از سربازان خارجی هم با گلولهٔ سربازان افغان از پا درآمدند.

بعد از این واقعه، خارجی ها به تمام مشاورین خود در ادارات دولتی افغانستان دستور دادند تا کار های خود را ترک کنند. کاری که می تواند بر آموزش نیروهای نظامی و انتظامی تاثیر ناگوار داشته باشد. بی اعتمادی بر نیروهای افغان چنان قوت گرفته که هر سربازی از نظر خارجی ها می تواند یک دشمن باشد. با این جریان، این بی اعتمادی ابعاد گسترده تری یافته است.

سوال اینست که واقعهٔ اخیر در پنجوائی قندهار چه تاثیری روی روابط افغانستان و امریکا خواهد داشت؟ بدون تردید این واقعه می تواند یک فرصت خوب برای طالبان باشد. خشم و نفرت از نیروهای خارجی، تعداد بیشتری را به صف جنگجویان طالب خواهد کشاند. در خارج از افغانستان به خصوص در کشور های اسلامی، وجههٔ طالبان را به عنوان یک حرکت ضد اشغالگری تقویت خواهد نمود که به معنی رسیدن کمک های مالی بیشتر به این گروه است. در آخرین اعلامیهٔ طالبان در رابطه با مذاکرات قطر، موضوع پنجوائی نیز تاثیر گذار بر مذاکرات قطر خوانده شده و نیز طالبان به مردم وعده داده اند که انتقام این کشتار را با هر وسیلهٔ ممکن از امریکایی ها خواهند گرفت. با گرم شدن هوا انتظار می رود تا جنگ ها شدت یابد. گرفتن امتیاز در میز مذاکرات نیز در گرو شدت جنگ ها است.

اوباما و سایر مقامات امریکایی نگران وضع اند. سپردن مسوولیت های امنیتی از نیروهای خارجی به سربازان افغان در گرو آموزش این نیروهاست و تا سال ۲۰۱۴ نیز با توجه به کار های انجام نیافته، وقت زیادی باقی نیست. چگونه می توان مسوولیت را به نیرویی سپرد که حتی در مورد وفاداری آن نیز شک وجود دارد؟

تردیدی نیست که این فاجعه روی روابط امریکا و حکومت کابل زیاد تاثیر گذار نخواهد بود. به همین دلیل اوباما تاکید دارد که این روابط استوار باقی خواهد ماند. اما ماجراهایی که در این اواخر رخ داده، نفرت مردم افغانستان از خارجی ها را در حد غیر قابل کنترل افزایش داده است و این خود به معنی جدائی دولت از ملت است که عملکرد های خارجی مسبب اصلی آنست. در قندهار و نیز در شرق افغانستان در عکس العمل به این کشتار، مردم دست به تظاهرات زدند، اعضای مجلس سنای کشور با فریاد های الله اکبر نفرت خود را از امریکایی ها به نمایش گذاشت و خواهان محاکمه و مجازات کسانی گردید که دست به این جنایت زده اند. آنها ضمن اینکه کار در پارلمان را موقتا ترک کردند خواهان آن شدند که این محاکمه باید طبق قوانین افغانستان و در داخل افغانستان صورت بگیرد اما امریکایی ها تصریح نموده اند که این کار طبق قوانین امریکا و در داخل امریکا صورت خواهد گرفت. این مسئله یکبار دیگر جنبه های حقوقی قرارداد استراتژیک را زیر سوال برده است و برای رئیس جمهور کرزی دشوار خواهد بود تا مردم را به پذیرفتن قراردادی قانع سازد که در آن امریکایی ها در افغانستان دست باز داشته باشند.

و در پایان یک سوال تکراری اما بی جواب را می توان یکبار دیگر تکرار کرد؛ آیا جنگی که امریکا به نام مبارزه با تروریسم در افغانستان به راه انداخته، از برنامه ای تبعیت می کند و یا اینکه حتی یک بیمار روانی هم می تواند آن را سمت و سو دهد؟!

◇

سوریه در جهنم دکتاتور قرن

پوهنمل سید عنایت الله شاداب

نوا و نغمهٔ بهار عربی تا هنوز هم نوا و نغمه ای است دل انگیز و دلربا برای کشورهای خاورمیانه و کشورهای اسلامی و توده های که به خاطر وصال به صدای آزادی عشق می ورزند و درسی است برای ملت های مسلمان به ویژه طیف های که می خواهند ملت های مسلمان را از وضع نامطلوب کنونی شان به وضعی انتقال دهند که پیشروانه و انسانی و با شعار برخاسته از باورها و اعتقادات آنان، تاملت ها را در عقب خویش بکشانند که بهار عربی تاکنون نمونهٔ مشخص آن به حساب می رود.

بهاری که دکتاتورهای تونس، مصر، لیبیا و یمن را روانهٔ زندان و محاکمه قهر ملت ها کرد و تازه گل های این بهار چمن آرای آنند. دکتاتور سوریه با میراثی که از پدر خویش در چهره و قد و قامت و سفاکی و خونریزی به دست دارد. چنان جهنمی را در « درعا» ، « صا»، «حمص» و «دیرزوزا» ایجاد کرده است که روی تزار و چنگیز هم در پیش آن سفید است. تاکنون طبق آمارهای نشر شده توسط نهادهای بین المللی و ملل متحد، بیش از هشت هزار نفر بی گناه جان داده اند ولی دولت های منطقه و قدرت های ذی نفع در بحران جانسوز تا هنوز هم نتوانستند گامی عاجلی به نفع این ملت بی دفاع بردارند، بشارالاسد تاکنون هم سرسختی نشان داده و آماده نیست که دروازهٔ این حمام های خون را بسته کند و همه دولت در سطح منطقه و قدرت های جهانی در پی آنند، چه کلاهی از این نمد خونین به خون جنبش های آزادی خواه، سوریه برای خود تیار می کنند.

پرسش اساسی این است که قیام «حمص» در سوریه چون قیام بنغازی در لیبیا به ثمر نه نشست و اسد پسر، سفاکانه به سرکوب خیزش مردمی می پردازد. و صحنه هایی را به نمایش می گذارد که ضمیر و وجدان انسانی از دیدن آن فریاد سر می دهد. اما با همه این جنایت آفرینی ها باز هم همه جهات منطقه ای و جهانی در پی کلاهی از این نمد اند و هرچه بادا باد!

شاید اتخاذ چنین موضعگیری در برابر فاجعهٔ سوریه از طرف قدرت های جهانی که با منطق آنچه قداست دارد، همانا منافع کوتاه مدت و درازمدت آن ها است ولاغیر.

اما قدرت های منطقه در رابطه با فاجعهٔ سوریه چگونه موضعی دارند؟ بررسی حوادث و رویدادهای روزمره بیانگر آن است که این قدرت ها هم همان چاکلیت ها را می جوند که همتایان آن ها در سطح جهان به جویدن آن ها مشغول اند به ویژه آن ملت دولت ها و جنبش های که دیکتاتوری ها را به باد انتقاد می گیرند و شعار آزادی محرومان را سر می دهند.

این امر پذیرفتنی است که هر اختیار دارند، هشیارانه به مبارزات آزادیخواهی های خویش ادامه دهند که به یقین پیروزی از آن آنها است. شاید فیصله های شورای امنیت و تأیید قسمی کشور های بزرگ و خرد از این حرکت آزادیخواهانه و پیروزی این خیزش مردمی بی تأثیر نباشد.

اما پشتوانهٔ حقیقی و مطمئین برای این پیروزی همانا ایمان به پیروزی نیروهای حق طلبانه و حق شعار و نیروی مردمی است که در ورای این حرکت قرار دارند.

سخن جالب در ارتباط فاجعهٔ سوریه، این سخن مقامات راستینی است که وضع کنونی در سوریه را خطربار اعلان کرده و به استناد گفتهٔ الجزیره، نگرانی خود را از به قدرت رسیدن سنی ها ابراز داشته است، گوئی روسیه دارد ماشین جنگ مذهبی را در سوریه به بنزین مجهز سازد که تصور عواقب آن مو را بر اندام راست می سازد. تلاش های کوفی عنان نمایندهٔ سرمنشی سازمان ملل و نبیل عربی سکرتر جنرال جامعهٔ عرب با قدرتی چه خُرد و چه بزرگ در پی تأمین منافع خویش و برای حفظ آن سرمایه گذاری می کند، اما تأمین این منافع از طریق نیروهای سفاک محکوم تأریخ و روبه شکست توجیه پذیر نمی باشد.

نیروهای استبداد ستیز سوریه اعم از نیروهای اسلامی و غیر اسلامی که در برابر دکتاتوری اسد پسر، می رزمند در آزمون سختی قرار دارند. اگر این استبداد ستیزان در دههٔ هشتاد قرن بیست به رهبری اخوان المسلمین در حما دچار شکست گردیدند، اکنون باید با تجارب و اندوخته های که از گرم و سرد دهه های گذشته قرن بیست و بیست و یک، بحیث رهچراغ ها در چنین حال و هوای حاکم رو به چالش است که پیامد آن چه خواهد بود.

به هر صورت، کشورهای اسلامی باید در پی سرنگونی دکتاتوری باشند چه سنی باشد و چه شیعه، زیرا پدیدهٔ دکتاتور که نمادی از استبداد از نظر هر دو مذهب اسلامی مورد نفرت بوده و تعالیم هر یک از این دو مذهب اسلامی، آن را محکوم می نماید.

موضعگیری کنونی جهان اسلامی در برابر خونریزی های سوریه و قتل عام در آن کشور محکی است برای صداقت همه حکومت ها و جریان های اسلامی.

« دیده شود چه می شود»

وزیر دفاع بریتانیا در سفرش به افغانستان
روند انتقال مسوولیت های امنیتی از نیروهای خارجی به نیروهای افغان را خوب توصیف کرد

وزیر دفاع بریتانیا در یک دیدار از پیش اعلام ناشده در این اواخر وارد ولایت هلمند شد. او در دیداری که با سربازان کشور اش در آنجا داشت، آنان را به انجام ماموریت شان تشویق نمود. آقای فلیپ هاموند در ادامهٔ سفرش از کابل نیز دیدن نموده با حامد کرزی رئیس جمهور ملاقات نمود. در این ملاقات جانبین روی مسایل دو جانبه باهم بحث و گفتگو نمودند.

آقای هاموند از چگونگی انتقال مسوولیت های امنیتی به نیروهای داخلی به حامد کرزی معلومات داده و روند را خوب توصیف نمود.

انتقال مسوولیت های امنیتی در حالی به نیروهای داخلی مطرح بحث های حلقات دیپلوتیک است که با گذشت هر روز اوضاع امنیتی در کشور بدتر شده است.



مقامات غربی در دیدارهایی که از افغانستان دارند، همواره سعی می کنند، تا اوضاع را خوب جلوه دهند، اما شواهد نشان می دهد که حقیقت چیزی دیگری است. بحران بی اعتمادی میان نیروهای خارجی با نیروهای داخلی از دشواری های اند که روند را به کندی مواجه ساخته است. رویدادهای اخیر فضای بی اعتمادی را میان سربازان افغان و قوت های بیرونی تقویت نموده است.

طی سه ماه اول سال میلادی به تعداد ۱۸ سرباز خارجی توسط همتایان افغانستانی شان به قتل رسیده اند. میله تفنگ سربازان افغان زمانی سوی دوستان خارجی شان بر می گردد، آنان نسبت به قرآنکریم در بگرام بی احترامی نمودند.

واقعهٔ پنجوایی نیز به احساسات ضد امریکایی مردم افزوده است. به گفتهٔ برخی از کارشناسان در صورتی که تغییری در سیاست های نظامی خارجی ها به وجود نیاید، تشخیص دوست از دشمن، در میان نیروهای مخالف جبههٔ تروریزم به چالش مواجه می شود.

ځوانان او جنسي انحرافات

داکتر عتیق الله حلیمی

دا خو یو ځرګنده حقیقت دي چي د ځواني موسم ته رسیدو سره سم په جنسي جسمي او ذهني قواو کي تغییرات رامنځته کیږي او د قوت مرحلي خواته روانیږي نو ځکه ځیني ځوانان خپل ذهني قوه بي ځایه استعمالوي او ځیني نور خپل جسمي قوت او ځیني یي بیا د جسمي انحرافاتو په لور مخه کوي. دادي د انحرافاتو ځیني عواملونه په لاندي ډول وړاندي کوو:

۱- بي علمي او ناداني: که د ماشوم پالنه په صحیح ډول وشي او همدارنګه تنکیو ځوانانوته ددی انحرافاتو پایلی او ضررونه وښودل شی نو ممکنه ده چی ددی جنسی بی لاریتوب څخه وژغورل شی. همدارنګه ثابته شویده چی بی علمه اشخاص د پردیو د ناوړه دودونو څخه ژر تقلید کوی او خپلوی ئی.

۲- فلمی نړی، Internet ، Face book لوڅ پوستکارتونو او داسی نور: د غربی نړی او همدارنګه د شرقی نړی اکثراً په مجازی مینه او عشق سمبال فلمونه دی چی اکثراً نوی او تاند ځلمیان جنسی انحرافاتوته اړ باسی. د Face book او انترنیټ بی ځایه استعمال او له هغه څخه ناوړه استفاده کول.

۳- بی کاری: پدی کې هیڅ شک نشته چی یو نوی تاند ځوان چی بی کاره شی او خصوصاً بی علمې هم ورسره وی جنسی انحرافاتو ته مخه کوی.

۴- فقر او شتمنی: ځینی هیوادونه خو داسی دی چی د فقر له کبله جنسی انحرافات ځان ته د عایداتو د لاسته راوړلو لاره بولی او ځینی خلک بیا د فقر له کبله په یوه خونه کې د والدینو او نوی تاند ځلمیانو ګډ اوسیدل او استراحت کول همدارنګه په ځینو حالاتو کښی د اقتصاد پیاوړتیا هم بی بندو باره کسانو ته د فحشاء او جنسی انحرافاتو زمینه مساعد وی.

۵- په کورنیو کې د مور او پلار زشت خوی او غوسه: د مثال په توګه که چیری یوه نوی تاند ځوان هلک او یا انجلۍ ته جنسی تحولاتو او یا مشکلاتو په اړوند کومه پوښتنه پیدا شی او دغه پوښتنی له خپل مور او پلار سره مطرح کړی دوی پرته لدی چی ورته صحیح او سالم ځواب ورکړی ورته ووایی چی دا بی شرمه پوښتنی له مونږ څخه مه کوه او ورته غوسه شی او یائی ووهی بی له شکه چی دا پوښتنه د دوی په ذهن کې پاتی کیږي او مجبور دی چی له چا څخه ئی و پوښتی کچیری له نا اهله ملګری څخه ئی پوښتنه وکړه په عوض ددی چی صحیح ځواب او لارښونه ورته وکړی او غلطی لاری ته ئی هڅوی او بالآخره ځوان او ځوانه جنسی انحرافاتوته مخه کوی.

۶-ګډ تعلیم: پدی کې هیڅ شک نشته چې ګډ تعلیم په اسلام کې هم منع دی وروسته د ماشومتوب له عمر څخه بیا خاصتاً هغه عمر کې چی ځوانان نوی د ځوانۍ مرحلی ته داخلیږي.

۷- د انجونو لخوا فیشن کول او یا دشوخو او جذابو جامو اغوستل: داچی ددغسی کړنو په واسطه ځوان هلکان د فحشاء لورته بلل کیږي نو ځکه د صحي ستونزو د رامنځته کیدو لامل ګرځی نو ځکه د اسلام مبارک دین لخوا څخه ددی ستونزو بیان کړیده او د حل لاری ئی ښودلي ددی ستونزو بیلګي په لاندی ډول دی.

Syphlis ، AIDS ،غیر قانونی حمل، Specitic Infon ، Urethritis ، سوزاک او داسی نور. د یوی احصائی له مخی په امریکا کې ٪۷۰ ولادتونه غیر قانونی دی خو داچی زمونږ تولنه یوه اسلامی تولنه ده دلته ئی فیصدی ډیره لږه ده.

همدارنګه پایلی ئی نه یواځی شخص ته په ضرر دی بلکه ټوله جامعه خرابوی یعنی که پورته اعما ل ادامه پیدا کړی او اسلامی احکام په نظرکی و نه نیول شی د سالمی کورنی جوړیدل له منځه ځی او خلک خپل ضرورتونه په غلط ډول ترسره کوی چی په غیر اسلامی هیوادونوکې ئي رانه مثالونه لیدل کیږی. هغه اشخاص چی په پورته اعمالو دوچار دی په اسلامی نړی کې څوک ورته په ښه سترګه نه ګوری بلکه بی اعتماده او شرمیدلی وي. همدارنګه دغیر اسلامی هیوادونو پیښی کول او ځانته د ژوندپه مختلفو پړاوونوکې مختلف Partner(اندویوال) انتخابولو یوه بده اغیزه داده کچیری له لمړی Partner (ښځینه) سره واده ونشی دغه انجلۍ په جامعه کې بدنامه او د تل لپاره له حقوقو څخه بی برخی پاتی کیږی.

د بدو پایلو څخه یوه ئی داده چی د غلط رواج له کبله د خپلی خوښی پرته په بدوکې ورکول کیږی. لنډه داچی د ځمکی پر مخ د فساد او فحشاء تعز خوریږی او له کبله ئی مختلفی ناروغی او ستونزی رامنځته کیږي.مخینوی او د حل لاری چاری:

۱- په قرآن کریم او نبوي احادیثو منګولی لګول.
۲- نوی ځوان نسل ته دښو اخلاقو په هکله کافی معلومات ورکول.
۳- نجونی باید په شرعی حجاب کې د ضرورت په وخت له کور څخه ووځی.
۴- د ګډ تعلیم څخه مخنیوی.
۵- په محافلو کې چی د غیر اخلاقی کړنو لپاره زمینه مساعد وی مخنیوی کول.
۶- دیر مختللو وسائیلو څخه مثبتی ګټی اخیستل.

شادروان استاد نجیب الله حسرت فاریابی



تحلیل برخی از غزلیات ابوالمعانی بیدل رح

مزد تخیل

گل به کف و درغم بهار افسوس
مزد تخیل پرست جلوهٔ محسوس

تصویر عمومی:

بصیرت و آگاهی نعمتی است، که دارندگان آن ازخم هرکوچه ای، جهانی از درک معرفت را حاصل میکنند و درصفحهٔ هربرگ گلی چمنستا نی را مشاهده می نما یند و به قول سعدی:

برگ درختان سبز درنظر هوشیار
هرورقش دفتریست معرفت کردگار

جهان با همه وسعت وبیکرانه بودنش متشکل از اجزا وابعادی است، که ظا هراً نا همگون وبل که متضاد ونا متجانس به نظر میرسد. اما در واقع همهٔ این اجزا چنان رابطهٔ نزدیک وفشرده با همدیگر دارند که علت ومعلول با هم دارد.

بصیرت وبصارت درکاراست تاانسان خورشید را در دل ذره ای بیند وبحری را درجلوهٔ قطره ای. آنا نی که خورشید را درچراغ میجویند ویا آنا نی که چنان مرغی که در را میگذارند سرا سیمه دراطراف روزنه ای بال وپرمیزنند، مستحق چه مزدی اند؟

حضرت ابوالمعا نی میرزاعبدالقادر بیدل رح با شگردهای مشخص، که مخصوص ومحصول قریحهٔ عالی وی است، این داستان رابا عالیترین وجه بیان میکند وموضوع رابا ارائهٔ بهترین مثال ریالیستکی وعینی وبا ویژه گی های فلسفی وشا عرانه تجسم میبخشد و درصفحهٔ آفاق ودرآیینهٔ افلاک با بصیرت و بصارت سیر میکند وتصویرهای زیبایی ازمقبولترین ولطفیترین جلوه ها وانمود ها عرضه می دارد.

کلمات ومفاهیم

تک بیت که دراین نوشته انتخاب کردیم، چه ازنگاه با فت کلمات وچه از نگاه آهنگ، مشحون از زیبا ییها ولطا فتها ست. به کلمات گل، بهار وافشردن توجه فرمایید!

این سه کلمه چه ارتباط ذات البینی به همدیگردارند وچه تلازم وچه تنا سبی موجود است، که این سه کلمه را بیدل رح دریک مصراع گنجا نیده است؟

بهار وگل ظا هراً کلمات معمولی اند وتلازم آنها نیز بدیهی وآشکار.

اما هدف مطلوب دراین جا فراتر ازتنا سب معمولی وتلازم ایجادیست. زیرا، تلازم ویا تناسب خود امریست نسبی. مسلماً مستلزم«دویی» است. درحالی که بیدل رح میخواهد ازگل وبهارتصویرروشنی ازوحدت وجود ارائه نماید. بناءً هدف مطلوب که مستلزم وحدت است فراتر ازتنا سب وتلازمی بوده، که ذاتاً مستلز «ذاتی» میباشد. افشردن نیز رابطهٔ لطیفی با گل وبهار دارد. البته این نسبت ورابطه به شکل رابطهٔ تقابل وتضاد است. زیرا، فصل گل وبهار موسم نشاط وانبساط است. نه افسرده گی. درست مانند«گریه وخنده»، در«غم وشادی» که با همدیگرنسبت ورابطهٔ تقابل دارند.

ترکیبهای «تخیل پرست» و«جلوهٔی محسوس» از همان ترکیبهای برجسته وزیباییست که موصوف دراشعارخویش آن رااستخدام مینماید.

اگرچه ظاهراً امکان دارد بعضیها درترکیب کلمات مصراع دوم ایرادی بگیرند وآن را با داشتن تتابع اضا فا ت، که ازنظر بعضی ازقدما مخل فصاحت است، متهم کنند. درجواب آنها باید عرض نمود که دراین مصراع«تتابع اضا فت» به حدی نیست، که مخل فصاحت جمله را اخلال میکند، که مانع درک مفهوم ومعنی جمله شود. درحالی که درمصراع مذکور این اضا فتها نه تنها تعقیدی به درک مفهوم مصراع دارد، نکرده است، بل که به زیبایی ولطا فت آن افزوده است.

درمصراع اول، کلمات گل وبهار، صنعت مراعات النظیر را تشکیل داده، که از زیبا ترین صنایع بدیعی درشعر است وهمچنان درمصراع دوم کلمات تخیل ومحسوس نیز با همدیگر تقریباً نسبت تقابل دارند، که این خود بر زیبایی مصراع افزوده است.

مفهوم تشریحی بیت فوق بادرنظرداشت خصوصیات لفظی، که تذکرداده شد، اینست: آنکه ازاین همه اجزای کا ینات وازاین همه عوالم وپدیده ها به مبداء اصلی پی نبرد ودر وادی بیپا بان اوهام وتخیلات سرگردان باشد، مثل کسی است که درکف وی گل، که جلوه ای ازبهاراست، موجود است. اما بازهم دراندیشهٔ بهار خود را افسرده میکند. البته این افسرده گی وسراسیمه گی مزد کسی است، که درمقابل این همه نمود ها وتصویرهای عینی بازهم به اوهام وتخیلات پناه میبرد وآفتاب را درچراغ جست وجو میکند.

خلاصهٔمفهوم بیت:

کسی، که گل درکفش قراردارد، اما بازهم دراندیشهٔ بهار افسرده وسراسیمه است این، مزد وجزای کسی است، که جلوهٔ محسوس وعینی را که درمقابلش قراردارد، نمیبیند وهدف را درعالم تخیل واوهام جست وجو مینماید. یا به عبارهٔ دیگر کسی، که پدیده های عینی ومحسوس را درک نمیکند وبرعکس آن را در اوهام وخیالات خویش میپالد، مثل کسی است، که گل درکف دارد واما درغم بهار افسرده وپریشان است.

❋

نگاهی به پیدایش و پیشینهٔ نوروز

عبدالعلی کوهی /استاد دانشگاه کابل



بخش دوم

عباسی ها از برخی میراث های تاریخی خراسانی ها تاثیر پذیرفتند. خلفای عباسی با جامه های فاخر و زرکش در تالار می نشستند و طبقات مختلف مردم را به حضور می پذیرفتند و هدایای آنها را دریافت می کردند.

موجودیت استعمال واژه نیروز در اشعار شاعران عرب و تقلید از مراسم نو روز خراسانی ها در میان اقوام عرب، به اهمیت نوروز افزوده است. از دیوان شاعران و کتب تاریخی؛ همچون: تاریخ بیهقی بر می آید که جشن نوروز در زمان دیلمیان و غزنویان برگزار می شده است. بسیاری از شاعران فارسی دری در قصاید خود نوروز را به ستایش گرفته اند. منوچهری که در وصف و تهنیت نوروز قصاید زیاد سروده و زیبایی طبیعت را با تشبیهات و تمثیلات زیبا و خیال انگیز بیان کرده و جشن نوروز را در میان غزنویان چنین می ستاید:

نبیذ خور که به نو روز هر کی می نخورد
نه از گروه کرام است و نه از عداد اناس

شور و اشتیاق نوروز نسبت به برپایی مراسم نوروز و افراط در شادی ها و تزئین کوچه ها و بازارها، گاه ستیز علما را برانگیخته و حاکمان را به ایجاد محدودیت هایی واداشته است؛ چنانکه در سال ۲۸۴ هجری قمری معتضد خلیفهٔ عباسی، مردم را از اظهار شادی و تجمع در گذرگاه ها وغیره باز می دارد؛ اما کوشش او نتیجه یی نمی بخشد و پس از دو روز اجرای مقررات و ایجاد محدودیت به ناچار مردم را آزاد می گذارند، تا هرگونه بخواهند شادی کنند. سخنان امام غزالی (رح) در کیمیای سعادت، سند گویایی است در چگونگی بر پایی مراسم نوروز در زمان او، و همچنان دلایل انکار و مخالفت علمای دین در خصوص برپایی جشن نوروز. از سخنان موصوف معلوم می شود، با وجود مخالفت ها این جشن در آن زمان وجود داشته است، حتی پس از حمله یی ویرانگر مغل، به خصوص از عصر صفوی به بعد با وجود مخالفان و موافقان این برپایی این جشن موجودیت خود را حفظ کرده است. باید گفت که نوروز در بین آریایی ها از قدیمی ترین جشن ها محسوب می شود. نوروز نماد زنده گی، روشنایی، کار و فعالیت جدید تعبیر شده است. آریایی ها زمانی که به زنده گی کشاورزی و دهقانی پرداختند و تقویم را شناختند، نخستین روز سال نو را نوروز خواندند؛ زیرا به قول عبدالحی گردیزی صاحب زین الاخبار این روز را روز نوروز گفتند که سرِ سال باشد و شب و روز برابر شود و سایه ها از دیوار بگذرند و آفتاب از روزن افتد. موجودیت حوادث تاریخی نظر به روایات در این روز این جشن را تقویت بیشتر بخشیده است؛ اما باید گفت که جشن نوروز بدین اسلام پیوند ندارد و جشن مسلمانان همان دو عید (فطر و قربانی) می باشد. اما تجلیل از سال نو به امید پیروزی، کار و فعالیت، زدودن فقر و شتاب به سوی کار یک اصل اسلامی می باشد و از همین جهت این روز را در افغانستان به نام میلهٔ دهقان و میلهٔ قلبه رانی نیز یاد کرده اند که در حقیقت تشویق دهقانان به کار و زراعت است که دین اسلام نیز این گونه حرکت های انسانی را در جهت کار و زراعت از وظایف اسلامی هر مسلمان می داند. در افغانستان ورود سال نو، بچه ها را بیش از دیگران ذوق زده و فعال می سازد؛ زیرا نا پدید شدن برف از روی زمین، قیود از دست و پای آنها گشاده می شود، زمینهٔ گردش در بیرون از منزل و سهم گیری در امور کشاورزی و دام پروری با والدین شان و استفاده از آب و هوای آزاد برای آنها فراهم می شود؛ از این رو اطفال می کوشند تا نخستین گل روئیده در زیر برف را به دست آورند. این گل که در جمال آغه یی کاپیسا آن را گل نوروزی گویند، در بدخشان گل جغزک، در فرزهٔ کابل گل یخ شکنک و در سایر حصص شمالی گل کاسه شکنک خوانده می شود؛ و این گلی است که معمولاً در اواخر ماه حوت در زیر برف می روید و با آب شدن آن نخستین پیک بهاران که همین گل نورسته است، نمودار می گردد.

بی جهت نیست که گل و نوروز با هم تناسب منطقی دارد و تا همین سال های نزدیک مراسم گل گردانی در ولایات بدخشان و تخار وجود داشته است؛ طوری که تعدادی از اطفال و نوجوانان و موزون خوانان سرود بهاری ترتیب می دادند، این موزون خوانان سر به قریه و دهات می زدند و سرود (بهار نو مبارک باد) را می سرودند و در مقابل از صاحب خانه تحفه های محلی به دست می آوردند؛ مانند این دو سرود مردمی که در سال ۱۳۶۳ هجری شمسی در زندان سیاسی پلچرخی از زبان غائب نظر فرزند خدای نظر باشندهٔ یفتل پائین ولایت بدخشان توسط اسدالله شعور ثبت شده و در شماره چهارم (جدی و حوت ۱۳۸۱) آریانا برون مرزی به نشر رسیده است که در این جا ذکر می شود:

گل آوردم به مهمانی	**تو قدر گل نمیدانی**
اگر دانی مسلمانی	**بهار نو مبارک باد**
گل زردک ثنا میگه	**درود مصطفی میگه**
به هر پهلو خدا میگه	**بهار نو مبارک باد**
گل جغزک ز خاک آمد	**عجب معصوم و پاک آمد**
دو بلبل سینه چاک آمد	**بهار نو مبارک باد**
سر گل ها گل خار اس	**گل سنجد به او یار اس**
بنفشه زیب دستار اس	**بهار نو مبارک باد**

نوروز بهانه ای برای همگرائی

ابوبکر سبزوار

ادامه از صفحهٔ اول

یک نقطهٔ مشترک که در این سه محور اساسی بحث و گفتگو های ریکای پنجم وجود داشت، بهبود و ارتقای هماهنگی بین کشورها و سازمان های اشتراک کننده در ریکای پنج بود.

رئیس جمهور کرزی در سخنرانی خویش در این کنفرانس به همگرائی های منطقوی تاکید داشت. وی گفت: پروژه های عظیمی نظیر لولهٔ گاز تاپی (TAPI)و کاسا هزار CASA (1000که به زودی از سرزمین افغانستان عبور خواهند کرد، تحول بزرگی را در حیات میلیون ها انسان در آسیای مرکزی و جنوب آسیا به وجود خواهند آورد. منابع طبیعی افغانستان، منجمله آهن، مس، ذغال سنگ و احجار کریمه می توانند صنایع منطقه و جهان را تغذیه نموده و درآمدهای عظیمی را برای سرمایه گذاران و کارگران به وجود آورند. خطوط آهن که ما در صدد اعمار آنها هستیم، بدون تردید فاصله های موجود در منطقه را از بین خواهد برد و سرزمین ها و بازار ها و مردمان دوردست را با هم نزدیک و متصل خواهد ساخت.

در روشنی چنین امکانات عظیم است که دور پنجم کنفرانس همکاری های اقتصادی منطقوی برای افغانستان اهمیت خاصی کسب می کند. در چهار دورِ قبلی این کنفرانس، که در کابل، دهلی جدید، آسلام آباد، و استانبول تدویر یافت، اصول فکری و برنامه های اساسی همکاری های اقتصادی افغانستان با منطقه پی ریزی شدند. آرزوی ما این است که دور پنجم این کنفرانس منجر به آغاز دورهٔ جدیدی گردد که در آن برنامه های مشخص به منصهٔ اجراً گذاشته شوند و اثرات مثبتِ قابل لمسی را برای منطقه و افغانستان ببار آورند. برنامه های مشخصی که در اعلامیهٔ نهائی این کنفرانس گنجانیده شده اند، می توانند این نیاز عمده را برآورده سازند. دور پنجم کنفرانس همکاری اقتصادی منطقوی برای افغانستان باید امر همکاری اقتصادی منطقوی را از مرحلهٔ حرف به مرحلهٔ عمل سوق دهد.



احمدی نژاد رئیس جمهور ایران بعد از بازگشت از اجلاس دوشنبه چنین گفت: ما می توانیم علاوه بر همکاری های امنیتی در عرصهٔ اقتصادی نیز فعالیت مشترک داشته باشیم. گفتگوهای ما نشان داد که ما چهار کشور، منافع مشترکی داریم. منافع مشترک ما صرفا در عرصهٔ امنیت و ثبات نیست بلکه حوزهٔ تجارت را هم شامل می شود.

<u>یکی از نمونه های این همکاری اقتصادی منطقوی که احمدی نژاد به آن اشاره می کند، بند آبگردان بزرگ سنگ تودهٔ دوم است که علاوه بر اهمیت آن برای آبیاری، در جهت تامین انرژی برق برای منطقه مهم بوده و می تواند منبع بزرگ درآمد برای تاجیکستان، این کشور فقیر آسیای میانه باشد.</u>

نیروگاه "سنگ‌توده ۲" یکی از مهم‌ترین طرح های بخش انرژی تاجیکستان است که بر روی رودخانه وخش در ۱۲۰ کیلومتری جنوب شرق تاجیکستان در حال ساخت است. ظرفیت تولیدی نیروگاه این سد ۲۲۰ مگاوات بوده و قرار است پس از راه‌اندازی، سالانه یک میلیارد کیلو وات درساعت، نیروی برق تولید کند. سرمایه‌گذاری تاجیکستان در این پروژه ۴۰ میلیون دالر بوده است و ۱۸۰ میلیون دالر بقیه از سوی جمهوری اسلامی ایران تأمین می‌شود و بر اساس توافقات انجام شده بین مقامات دو کشور، این نیروگاه پس از بهره برداری، به مدت ۱۲ سال در اختیار ایران قرار خواهد گرفت، تا طرف ایرانی سرمایه‌گذاری و سود توافق شده خود را از طریق درآمدهای حاصل از آن برداشت کند و پس از آن نیروگاه را در اختیار طرف تاجیکی قرار خواهد داد.

وقتی به چنین طرح عظیمی که با امکانات خود منطقه ساخته می شود توجه نمائیم، می بینیم که کشورهای این منطقه توانائی ها و ظرفیت های بالقوهٔ فراوانی برای همکاری دارند که با بهره برداری از این امکانات و ظرفیت ها، می توان وضع اقتصادی این منطقه را دگرگون کرد. این تجربهٔ موفق از همکاری میان تاجیکستان و ایران موجب می شود تا تاجیکستان به یکی از کشور های صادر کنندهٔ انرژی در منطقه مبدل گردیده و از این راه عاید بزرگی به دست آورد.

وقتی این کار بزرگ در تاجیکستان را که با امکانات کشور های منطقه در حال تکمیل شدن است با ده ها میلیارد دالر پولی که گفته می شود در طول ده سال گذشته به افغانستان آمده است مقایسه می کنیم، به خوبی در می یابیم که ما چه فرصت های بزرگی را از دست داده ایم.

چرا ما نتوانستیم کار ساخت حتی یک بند آب گردان را بر فراز یکی از رودخانه های کشور خود آغاز نمائیم تا بخشی از انرژی برق مورد نیاز کشور را از داخل تدارک نمائیم و در عین حال بخشی از زمین های بایر را در کشور زیر کشت ببریم؟ این درحالیست که در طول بیش از نیم قرن گذشته، جمعیت کشور ما تقریبا سه برابر افزایش یافته اما زمین های زراعتی بجای اینکه همگام با رشد جمعیت گسترش یابد تا جوابگوی نیازمندی ها باشد، به دلیل افزایش نفوس و بی توجهی حکومت ها به خصوص حکومت فعلی کاهش یافته و مبدل به مناطق مسکونی گردیده است. کشوری که دارای منابع بزرگ آب است، آن را رایگان از دست می دهد اما برق را به قیمت گزاف از کشور های همسایه وارد می نماید.

این تجربه نشان می دهد که همگرائی منطقوی و همکاری های اقتصادی میان کشور های منطقه چقدر می تواند در جهت رفاه مردمان این کشور ها مهم و بنیادی باشد. کشورهایی که با هم دادوستد اقتصادی دارند، باهم نمی جنگند و این مسئله می تواند در ایجاد صلح و ثبات در منطقه نیز نقش بسیار مهم ایفا نماید و ما را از کشور های دور از این منطقه با اهداف سلطه گرایانهٔ شان بی نیاز سازد.

حق چاپ محفوظ است!

پوهنمل محمد نسیم فقیری

بعد از نماز عصر، در مسجد جامع وزیراکبر خان مینه، کتابفروشی مسجد را نگاه کردم و کتاب های آن را مرور نمودم... نظرم به کتاب کوچکی افتاد و گمان کردم برادر دیگری هم این کتاب را ترجمه و به چاپ رسانیده است!... اما در قسمت پائین کتاب نظرم به نام مترجم افتاد: ترجمه محمد نسیم فقیری!

این کتاب در سال ۱۳۸۹ هجری شمسی به چاپ رسیده و « پایه های اخلاقی نهضت اسلامی » نام دارد که متفکر و دانشمند شهیر جهان اسلام مرحوم مولانا مودودی، در باب اخلاق اسلامی، سخنرانی داشته و در همان زمان (ترجمه اول) بیش از بیست بار، چاپ شده است!

این کتاب با قطع و صحافت زیبا و صفحه آرایی درست، به چاپ رسیده است و انتشارات مستقبل آن را چاپ کرده است.

در مورد چاپ کتاب و حق چاپ محفوظ است، باید به نکات زیر توجه نماییم:

ا- در عنوان کتاب « پایه های اخلاقی نضهت اسلامی » تحریر شده، حال آنکه «پایه های اخلاقی نهضت اسلامی» است! این یک اشتباه بزرگ است و همین اشتباه در صفحهٔ عنوان داخلی، نیز تکرار شده است!

۲- این کتاب در سالی چاپ شده است که مترجم در کابل بوده و بسیار آسان بود تا از او اجازه گرفته می شد و یا در مراحل تایپ و چاپ، نظر او خواسته می شد تا همچو اشتباه ها روی نمی داد!

۳- در بخش شناسنامه یا مشخصات کتاب، نام درست آن « پایه های اخلاقی نهضت اسلامی» تحریر یافته ولی نام سخنران یا مؤلف به جای « مودودی» « المودودی» آمده که در همه کتاب های موصوف، سابقه ندارد!

۴- در همین شناسنامه در مورد « نوبت چاپ» نوشته شده: اول حال آنکه در صفحهٔ هشت در ذیل نام مترجم، تحریر یافته: اول حمل ۱۳۶۶ هـ ش پشاور پاکستان! پس معلوم است که این کتاب در سال ۱۳۶۶ یعنی بیست و سه سال قبل نیز به چاپ رسیده است و درست بود تا نوشته می شد: چاپ دوم!

۵- روزی در سال ۱۳۸۲ از کتابفروشی های نزدیک ولایت کابل واقع در شمال قوماندانی امنیه که امروز در این ساحه کتابفروشی و حتی ساختمان وجود ندارد- می گذشتم، نظرم به یک کتاب افتاد: راه اعتدال در مسایل اختلافی. این کتاب با همان قطع اولی در چاپ اول، ولی با دیزاین دیگر به چاپ رسیده بود و یک نسخه از آن را دریافت داشتم... مالک مغازه که چاپخانه هم دارد و از دوستان ما است، به من گفت که شما در ایران ماموریت داشتید و من از برادر شما- که در آن زمان فوت کرده بود- اجازه گرفته بودم!

۶- در دوران اول وزارت اطلاعات و فرهنگ که دوکتور رهین، وزیر بود، روزی در دفتر ایشان، روی موضوع مهم « حق چاپ محفوظ است» صحبت کردم و ایشان با تأسف گفتند که کشور ما تا هنوز به کاپی رایت نه پیوسته است!

اینک، نمونه های هردو چاپ، کتاب کوچک پایه های اخلاقی نهضت اسلامی نشر می گردد.





به نظرم من چاپ مجدد همچو کتاب ها به اجازهٔ چاپ کنندهٔ اول، مانعی ندارد و هرگز در فکر بهرهٔ از درآمد آن نبوده ایم ولی طرح موضوع با نویسنده و یا مترجم و آنهم در کشور خود ما که امکان دسترسی به آن ها زیاد است، از نظر اصلاح و تدقیق و چاپ درست کتاب ها، بسیار مهم و ارزشمند است. امیدواریم که دستگاه های انتشاراتی حین چاپ مجدد این کتاب ها، نگارنده ها و یا مترجمین را آگاه سازند و موضوع پیوستن یا نه پیوستن افغانستان به کاپی رایت را بهانه قرار ندهند.

تکرار تاریخ در افغانستان

پوهنوال عبدالعلی کوهی

در شماره سی و نهم، ۲۷ حوت ۱۳۹۰ مقاله یی تحت عنوان "تاریخ نباید تکرار شود"، به وسیلهٔ دوست عزیزم، استاد فقیری به چاپ رسیده بود و برای خواننده دغدغهٔ تکرار تاریخ تداعی می گردد، خواستم روی این موضوع مهم نکاتی را بنویسم. باید گفت که انگیزه و تکرار تاریخ در افغانستان وجود دارد. در سطح جهان بارها دیده شده است که حوادث تاریخی تکرار شده است، جنگ جهانی دوم (۱۳۳۹ _ ۱۳۴۵) در حقیقت تکرار جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ – ۱۹۱۸) می باشد.

شکست امریکایی ها در جنگ ویتنام و انتقام آن از شوروی ها در حمایت از مجاهدان افغانستان، یک نوع تکرار تاریخ را نشان می دهد. هجوم امریکا در عراق، لیبیا و بعد از حادثهٔ یازدهم سپتامبر، حضور این کشور و سائر نیرو ها ی ناتو در افغانستان بر این موضوع صحه می گذارد؛ هم تکرار تاریخ در سطح کوچک آن بر رنگ نمونه در افغانستان نیز وجود داشته است. در حاکمیت طالبان موجودیت گروه خلق یکی از نمونه های برجسته این تکرار تاریخ در کشور است که از همان آغاز تا اکنون، تلاش های وجود دارد که تاریخ در افغانستان تکرار شود.

تکرار تاریخ این است که یک گروه سیاسی خلاف ارادهٔ مردم بر سرنوشت یک سرزمین با زور سر نیزه حکومت نماید. موجودیت بیشتر از یکصد هزار نیرو ی خارجی؛ به ویژه امریکایی ها در افغانستان، شباهت های را با حضور نیرو های شوروی ها در این کشور نشان می دهد. در این حاکمیت موجود یک نوع بازگشت در همه عرصه ها وجود دارد؛ در این حاکمیت هستند کسانی که شعار ملی سر می دهند، اما در سنگر قومی مبارزه می کنند.

امروز یک نوع بازگشت در ادارهٔ برخی از وزارت خانه ها وجود دارد مثلاً: نقش احزاب چپی در وزارت تحصیلات عالی به گفته آغای فقیری یک امر مشهود است و امید می رود با تقرر وزیر دانشمند پوهاند عبید رهبری این وزارت بر روی نخبه گان اقوام مختلف کشور گشوده شود. اما در وزارت معارف اکثریت معینان در این وزارت به قول عام از اعضای یک حزب می باشد، هر چند در رهبری این وزارت بعد از وزیر، اقوام مختلف حضور دارند اما آنها با یک حزب سیاسی در گذشته ها در پیوند بوده اند در حالی که شعار دولت بر خلاف این گونه تقرر می باشد؛ حتا یک شخص از ولسوالی شغنان ولایت بدخشان و یا از اقوام کوچک دیگر و یا از اهل سک و هنود اگر شایستگی داشته باشند نظر به شعار دولت و مفاد قانون اساسی می توانند در پست های وزارت و معینیت کار نمایند. کم کاری دولت در این زمینه ها موجب گردیده است که در رهبری وزارت تحصیلات عالی چپی ها جا بگیرند و وزارت معارف را اعضای یک حزب به خود اختصاص دهد. در حالی که جامعهٔ جهانی با چنین شعارهای داخل افغانستان نگردیده است.

آیا مردم افغانستان با چنین اندیشه ها فرزندان خود را قربانی جنگ سرد نمودند که افغانستان به سنگر های قومی و حزبی تبدیل گردد؛ در حالی که هدف جهاد نجات افغانستان بود نه اندیشه های حزبی، قومی و.... موجودیت یک چنین رهبری در وزارتخانه ها در حقیقت، پشت پا زدن با خواسته های مردم افغانستان است، در حالی که در یک حاکمیت ملی هر کس حق دارد نظر به لیاقت و شایستگی در رده های بالایی حکومت نظر به مفاد قانون اساسی کار و فعالیت نمایند و تجمع گروه های قومی و حزبی بر خلاف جامعهٔ باز و از ایدیولوژی عصر جنگ سرد است که تاریخ آن سپری شده است. امروز بستر و زمینهٔ بازگشت به حاکمیت گذشته ها در حال شگفتن است.

در حکومت شایسته سالار ده سال آخیر، امروز برخی مردم مجبور شده اند تا غرض حل و فصل موضوعات حقوقی، ارضی و خانوادگی خود به محاکم طالبان مراجعه نمایند؛ زیرا کسی که می خواهد در این حاکمیت دعوا باز کند، باید صبر ایوب، عمر نوح و گنج قارون را در اختیار داشته باشد. باید گفت که قومی شدن و حزبی شدن هیچ یک از وزارتخانه ها به نفع مردم افغانستان نیست و این کار در حقیقت یک نوع نگرانی را در میان اقوام افغانستان به وجود خواهد آورد؛ زیرا حزب ملی و سراسری که پوشش ملی و سراسری داشته باشد در افغانستان وجود ندارد و رفتن به سنگر حزبیت در شرایط موجود افغانستان در رهبری و مدیریت وزارتخانه ها، در حقیقت یک نوع سقوط در سنگر قومیت می باشد. جابجایی شخصیت ها بر معیار قوم، حزب و تبار نه تنها مخالف تمام ارزش های اسلامی است، بلکه مقدمات یک حاکمیت استبدادی و توتالیتر را در افغانستان فراهم می سازد و این کار خلاف شایسته سالاری، مشارکت ملی و عدالت اجتماعی است.

در اسلام عدالت مشروعیت دارد نه قدرت و حاکمیت، در حاکمیت و قدرت که عدالت اجتماعی وجود نداشته باشد آن حاکمیت دستخوش فساد می گردد ، امروز چیزی بیشتر و یا کمتر از ده میلیون انسان در کشورهای دور و نزدیک در حالت بلاتکلیفی به سر می برند، جنگ و نا امنی دروازه های شهر های بزرگ را هر روز می کوبد، این ها و ده ها عوامل دیگر تکرار تاریخ را در افغانستان فراهم خواهد ساخت، در صورتی که دولت مسوولیت های ملی خود را هرچه زود تر درک نکند و به دنبال یک استراتیژی جدید ملی بر نیاید این احتمال وجود دارد که کشور دستخوش تغییرات بدتر از حاکمیت خلق و پرچم در افغانستان گردد.

شعار دادن و عمل نکردن در حقیقت آهن سرد کوبیدن است که زمینهٔ ورود افراد غیر ملی را در حاکمیت افغانستان فراهم خواهد ساخت. وقتی تحت شعار شایسته سالاری افراد وابسته داخل پرزه های رهبری این حاکمیت گردد و افراد متخصص به بهانه های مختلف از ادارهٔ دولت و رهبری آن حذف گردد، بدون شک در چنین یک جو سیاسی افراد استفاده جو، متملق و چاپلوس در منصب مدیریت و کارسازی قرار می گیرند که خود بازگشت به دوره های تاریک و سیاه تاریخ است. در یک جو نامناسب افراد فریب کار، رانده شده دوباره خود را در حلقه های رهبری و مدیریت جا می زنند. به قول شاعر:

هر که ناموخت از گذشت روزگار
هیچ ناموزد ز هیچ آموزگار

تأخیر در تصویب بودجه مشکلات مردم را مضاعف می سازد

نذرالله عنایت

ادامه از صفحهٔ اول

در پی دارد، پروژه هایی که کشور را به پای خود ایستاد می کند، پروژه های اساسی و زیربنایی هستند؛ این ها پروژه های شاهراه ها هستند، پروژه های تولید برق هستند، پروژه های بندهای بزرگ هستند. این پروژه ها امکان ندارد که همزمان در همه ولایت ها اجرا شود.

اما در برخی از ولایت های که در گذشته ها هم طرح های بزرگی عمرانی شامل برنامه بود بنا به بی توجهی مقامات دولتی و کشور های کمک کننده این گونه طرح ها از پیشرفت های چشمگیری برخوردار نبود.

به طور نمونه، پروژهٔ سد سازی در دریای آمو از هشت سال بدین سو بر سر زبان ها می باشد، اما کار های مقدماتی این گونه پروژه ها تا هنوز تکمیل نشده است.

این در حالیست که افغانستان انرژی برق خود را از کشورهای همسایه شمالی تورید می نماید و به باور مردم در صورتی که به برنامهٔ سد سازی بالای دریای کوکچه توجه می شد و یکی چندتا بند برق عمران می گردید، دولت افغانستان بی نیاز از خرید برق وارداتی می گردید.

بنا برآن اعضای مجلس افغانستان اعلام کردند، در طرح بودجه سال جاری به توسعه و عمران مناطق فقیر نشین توجه نشده و بر عکس به مناطقی که برنامه های زیادی قبلاً در این مناطق اجرا شده، بیشتر توجه شده است. در سند بودجهٔ سال ۱۳۹۱ تحت عنوان ولایات عقب مانده ۱۰ میلیون دالر امریکایی مدنظر گرفته شده ولی ولایاتی که از این ۱۰ میلیون استفاده بکنند مشخص نشده است. اینها ابهام ها و کلی‌گویی هایی هستند که به کاهش فقر و رشد و توسعهٔ متوازن همه مناطق افغانستان کمک نمی کند.

امیر محمد یار رئیس کمیسیون مالی مجلس نمایندگان گفته بود طرح کنونی بودجه به اولویت های کشور و نیازمندی آن به طرح‌های عمرانی زیربنایی پاسخ نمی دهد. به گفته او در این طرح بودجه، شماری از طرح های زیربنای سال های گذشته به گونه تکراری پیشنهاد شده است. نمایندگان گفته اند، توسعهٔ متوازن که در قانون اساسی صراحت دارد، بدون در نظر گرفتن، هر نوع بودجهٔ که تنظیم و تصویب شود، در پارلمان اقبالی برای تأیید نخواهد داشت.

بخش دیگر اعتراض مجلس نمایندگان افغانستان نسبت به بودجه سال ۱۳۹۱ این است که چهارده میلیون دالر، یعنی حدود ۶.۱ درصد کل بودجه، برای اداره محافظت ریاست جمهوری، اداره امور و دارالانشای ریاست جمهوری اختصاص داده شده است. حکومت افغانستان می گوید که تأمین امنیت ریاست جمهوری و اعضای ارشد حکومت، از اولویت ها به حساب می رود و نیاز است تا برای این منظور، پول قابل توجهی اختصاص داده شود.

به گفتهٔ این مقامات، پرداخت معاش حدود سه هزار نفر که در این بخش ها کار می کنند نیز از همین بودجه صورت می گیرد. رد بودجه سال ۱۳۹۱ در حالی صورت می گیرد که هنوز جنجال ها بر سر چگونگی مصرف بودجه سال پار، در مجلس افغانستان پایان نیافته است. این مجلس می گوید، حدود چهارده وزارت خانه، کمتر از چهل درصد بودجه توسعه ای خود را مصرف کرده اند و در این رابطه باید به پارلمان جواب بدهند.

بودجهٔ سال ۱۳۹۱ افغانستان شامل نزدیک به ۲۱۶ میلیارد افغانی است که بالغ بر حدود چهار میلیارد دالر امریکایی می شود. بیش از ۱۵۰ میلیارد افغانی از این بودجه به عنوان بودجه عادی و بیش از ۶۵ میلیارد افغانی دیگر آن به عنوان بودجهٔ توسعه ای یا انکشافی درنظر گرفته شده است. عمر زاخیلوال وزیر مالیهٔ کشور ماه گذشته این بودجه را به مجلس ارائه کرد و گفت، در تهیهٔ این بودجه مسائل امنیتی و دفاعی در صدر اولویت های دولت قرار گرفته است. گفته می شود که ۵۷ درصد از بودجهٔ سال ۱۳۹۱ در زمینهٔ دفاعی و امنیتی و ۱۶/۷ درصد دیگر برای آموزش و پرورش در نظر گرفته شده است. وزارت مالیه اعلام کرده است که آموزش و پرورش از نظر مصرف بودجه در ردیف دوم اولویت های دولت قرار گرفته است.

در همین حال عدم تأخیر در تصویب بودجه، از چالش های اند که همه ساله دامنگیر طبقات کم در آمد جامعه می گردد. کارگران عادی، معلمان و ماموران دولتی که اقتصاد شان به معاش ماهوار بستگی دارد، در نبود پول و یا تورم آن به دشواری های زیادی رو به رو خواهند شد.

به زودی اعلان انتقال مسوولیت...

در شیکاگو برنامه جدید حمایت از نیروهای افغانستان را بعد از خروج نیروهای امریکا در سال ۲۰۱۴ را تهیه کنند.

نیروهای ناتو قبلاً در دو مرحله انتقال، مسوولیت مناطق را که نیم نفوس افغانستان را تشکیل می دهند، به شمول کابل، به قوای افغان واگذار نموده اند.

این اولین بار است که در مورد سپردن مسوولیت های امنیتی در مناطقی سخن گفته می شود که اکثریت نفوس افغانستان را در بر دارند. اما این مقام ارشد ناتو از و لایات و مناطق که به زعم او اکثر نفوس مردم افغانستان را در بر می گیرد، نام نبرد. ادمیرل جیمز ستاوریدز همچنان تصریح کرد که، به هدف ایجاد قوای ۳۵۰ هزار نفری افغان در تابستان امسال، نایل خواهند آمد. به گفتهٔ او، این ستراتیژی یک ستراتیژی مناسب و سالم است و نتایج را هم در بر دارد.

قرار بود انتقال مسوولیت های امنیتی به نیروهای افغانستان در شش مرحله صورت گیرد، ولی این مراحل حال به پنج مرحله از انتقال کاهش یافته است و قراراست آخرین آن به جای سال ۲۰۱۴ در تابستان ۲۰۱۳ آغاز شود.

قابل ذکر است که تمویل دراز مدت ارتش افغانستان را سالانه بیش از چهار میلیارد دالر تخمین نموده اند و این که کشورهای عضو ناتو چگونه سهیم خواهند شد، در این مورد تا حال تصیم گرفته نشده است. مقامات ناتو در حالی از انتقال امنیت به جانب افغانستان تأکید دارند که اوضاع امنیتی با گذشت هر روز بد تر می شود.

بحران بی اعتمادی در میان متحدان جنگ با تروریزم وهدف قرار دادن سربازان غربی از سوی همتایان افغانستانی شان از دشواری هایی اند که روند انتقال مسؤولیت هایی امنیتی را به پرسش های ماهوی رو برو ساخته است.

د تیر یو کال د مهو پیښو په رڼا کې د راتلونکي ارزونه

د اول مخ پاتې

استاد رباني شهید کړای شول او د هیواد په نورو سیمو او ولایتونو کې هم په بیلا بیلو پیښو کې د دولت ځینې مهمې نظامي څېرې او جهادي قوماندانان د دولت د مخالفینو د برید لاندې راغلل چې د یوې منظمې استراتیژۍ او منصوبه بندۍ له مخې د زنځیري وژنو دغه لړۍ دوام وموندو او لامله یې افغان دولت له خپلو تکړه پلویانو او د لومړي قطار ځینو نظامي څېرو څخه بې برخې کړ او د ډیرو نورو ځینې مهمو څېرو د ترور کولو پلانونه خو یا شنډ کړای شو او یا له پیښو ژوندي ووتل.

دوهم- مهمې غونډې او کنفرانسونه:

د بن له لومړي کنفرانس وروسته د نړیوالې ټولنې لخوا د افغانستان له موجوده نظام سره د ملاتړ په نیت د تیرو لسو کلونو په دوران کې وخت نا وخته ګڼ نړیوال کنفرانسونه او غونډې دایرې شوې وې لکه د لندن، پاریس لزبن او کابل کنفرانسونه او د سولې جرګې چې د هغو په ادامه تیر کال هم د چنګابن په میاشت کې په کابل کې دننه د تماس د ډلې او وریسې د افغانستان، پاکستان او د امریکا د متحده آیالاتو دري اړخیزه کنفرانس او هم پخپله د سولې د جرګې په غوښتنه د سولې د عالي شورا رامینځته کیدل او د یو کال په دوران کې ددې جرګې مختلفې غونډې او سپارښتنې او د لړم په میاشت کې د استانبول کنفرانس چې د افغانستان سربیره په پاکستان، ایران، چین، هند، د منځنۍ آسیا

هیوادونو او د عربي آماراتو هیواد هم پکې ګډون کړی وو او ځینې لویدیځ هیوادونو پکې هم د ناظرینو په توګه ګډون درلود. او همدارنګه په وروستیو کې په اسلام آباد کې د پاکستان، افغانستان او ایران د هیوادونو ګډه سرمشریزه، څو میاشتې وړاندې په جرمني کې د دوهم بن کنفرانس او په کابل کې د دوه زرو په شاوخوا کې د انتصابي رابلل شوو هغه عنعنوی لویه جرګه هم د اهمیت وړ غونډه وه چې د امریکا سره د استراتیژیك تړون په هکله یې سپارښتني دولت ته وکړې او هم یې د دولت د مخالفینو سره د سولې له پروسې څخه ملاتړ څرګند کړ چې ورڅخه د دایریدو د مخه یې دا انګیرل کیده چې ښایې د جرګې ګډونوال به د امریکا سره د استراتیژیك تړون په پټو سترګو منظوري ورکړي خو لکه چې د دوهم بن کنفرانس له پخوا څخه د انګیرنې پر خلاف، یوازې د افغان دولت او نړیوالې

ټولنې ګډه غونډه وګرځیده او د وسله والو مخالفینو خو پریږده چې د دولت نورو سیاسي مخالفینو ته هم پکې د ګډون بلنه نه وه ورکړل شوې، د هغې پر عکس د مخې عنعنوي لويې جرګې داسې غوښتنې وړاندې کړې چې د دولت پر ځای د دولت د مخالفینو په طبیعت ډیرې برابرې وې او له امریکا څخه د غوښتل شوي استراتیژیك تړون یې نا ممکنه کړ چې لامله یې ځینې امریکایې مقاماتو د امریکا لخوا د داسې تړون غوښتلو اراده هم کاذبه وګرځوله، او د دولت د مخالفینو په څیر امریکا هم اوس پدې وروستیو کې داسې کړنو ته لاس واچولو چې ورڅخه نور د افغانستان څخه د امریکایانو د تلو لیار هواروي.

دریم- د تاوتریخوالي مهمې پیښې، لاریونونه او سیاسي ناندرۍ:

د تیر یو کال په دوران کې د سیاسي ناندریو له ټولو لویه پیښه د پارلماني ټاکنو د نتیجو په سر او معترضو کاندیدانو مبارزه وه چې په سلامتۍ (!) پای ته ورسید. د تیر کال په دوران کې د کال په سر کې د ورې په میاشت کې په مزارشریف کې د جمعې په ورځ د یو لاریون قهرجن کیدل او په امریکا کې د یو کشیش لخوا د قرآنکریم د سوځولو د عکس العمل په توګه د لاریون کوونکو لخوا د یوناما د اوو تنو په ګډون دې ته ورته شمیره کې د پولیسو او عام وګړو وژل کیدل ددې کال د تاوتریخوالو د پیښو پیلامه وه چې همدې ته ورته پیښه په تخار کې د ناټو لخوا د بمبارۍ په نتیجه کې د یو جومات د خطیب په شمول د هغه د ښځې، لور او یو میلمه د شهید کیدو پیښه د یوې بلې خونړۍ

پیښې او لاریون لامل شوه چې پکې د دوه زرو په شاوخوا کې د تخار مسلمانو ښاریانو ګډون کړي وو او د درې جرمني پوځیانو د وژل کیدو سربیره دیارلس تنو لاریون کوونکو هیوادوالو په شهادت تمام شو.

همدارنګه دې ته ورته پیښې د ننګرهار په حصارك او خوګیانیو ولسوالیو کې او هم د کنړ ولایت په غازي آباد او نورو ولسوالیو کې رامینځته شوې چې پکې چیرې څمونږ پټې اوبه کوونکي هیوادوال د بمباریو په نتیجه کې شهیدان شول او چیرې په غره کې د خسو راټولوونکي ماشومان او یو ځل خو پکې څه د پاسه شپیته تنه هیوادوال چې ډیر یې ماشومان وو، او بل ځل دیارلس مراهق ماشومان شهیدان شو. په خوست، پکتیا، پکتیکا، بتي کوټ او نورو ګڼو ولایتونو او ولسوالیو کې داسې پیښې رامینځته شوې.

نږدې میاشت وړاندې د باګرام په هوایي اډه کې د امریکایي پوځیانو لخوا د قرآن کریم د نسخو په سوځول کیدو راپورته شوي قهرجني مظاهرې چې له جلال آباد څخه پیل شوې او د هیواد ګوټ ګوټ ته ورسیدې بله هغه مهمه پیښه وه چې افغان دولت یې پداسې مرحله کې له خپل ولس څخه لیرې کړ چې پکې د سولې هڅو او د قطر په هیواد کې د طالبانو لپاره د دفتر خلاصیدلو او سولې پروسې نوی آغاز شوی وو او بیا تیره اونۍ د کندهار په پنجوایی ولسوالۍ کې د امریکایانو بل بیرحمانه عمل چې د یوې سیمې د خلکو د هستوګنځی ځایونو ته د شپې ورغلل او ۱۶ ماشومان او څمونږ مظلوم هیوادوال چې ډیری یې ښځې او ماشومان وو، شهیدان کړل.

د تاوتریخوالي دغه ګرداوړ پیښې ددې غمازي کوي چې امریکا نور د افغان دولت له ملاتړ څخه په شاکیدونکي ده او دغه ټولې پیښې چې یوه د بلې پسې د ځانګړې نوعیت لرونکې وې دا جوتوي چې امریکا د څه د پاسه لسو کلونو جګړې څخه ستړې شوې او د ترهګرۍ (!) پر خلاف روانه جګړه کې د ماتې خوړونکې په توګه د خپلې استراتیژۍ پاتې برخه پلې کوي چې د تیر کال په سر کې یې ویلي وو چې را روان کال د افغانستان د جګړې لپاره خونړی کال دی.

خو هغه څه چې د افغان دولت دنده ده هغه داده چې باید د ناټو له پوځ او امریکا څخه د افغان امنیتي ارګانونو د تجهیزاتو د بشپړولو لپاره فشار راوړي چې دغه ځواکونه خپلې وسلې افغان پوځونو ته پریږدي ځکه که داسې ونشي نو اوسنی نظام به د شړیدلو په نتیجه کې د افغان ولس د هغو پرګنو له غوصي او قهر څخه بچ پاتې

نشي چې له یوې خوا د طالبانو او د دولت نورو د مخالفینو لخوا یې امنیت ترورل شوی وو او له بلې خوا د امریکا او ناټو د نیمې لارې ملګرتیا کې یې خپل وجودونه او خپلوان له لاسه ورکړل او د آبادۍ په نوم راغلي دوستان (!) یې په آخره کې خپل راویستلي خنجرونه هم د افغانانو په سرونو راکاږي.

همدارنګه د موجوده نظام دنده ده چې د راتلونکو ټاکنو د شفافیت لپاره سر له اوس نه د کمپیوتري تذکرو ورکول یقیني کړي او د بې پرې ټاکنو له لیارې (چې په وړاندې یې یو کال پاتې دی) د ولس له مینځه د ریښتوني افغاني قیادت د راتوکیدو لیار هواره کړي: ځکه که چیرې داسې ونشي نو ښایې چې افغان ولس هم نور د (تنګ آمد به جنګ آمد) د لیارې خپلولو سره د (عربي پسرلي) لیار خپله کړي او یا یوځل بیا د طالبانو په راتګ خوښ شي.

با امضای تفاهمنامهٔ وزارت های مخابرات و امور داخله

تا شش ماه دیگر، شهروندان کابل دارای تذکرهٔ تابعیت الکترونیکی خواهند شد

تفاهمنامه کار عملی تذکرهٔ تابعیت الکترونیکی روز یکشنبهٔ هفتهٔ گذشته (۶ حمل) میان وزارت های مخابرات و تکنالوژی معلوماتی و امور داخله امضاء شد. این پروژه که از سوی وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی به مجلس وزراء ارایه شده بود و بعد از منظوری مقام های ذیصلاح کار عملی آن بین وزارت های امور داخله و مخابرات و تکنالوژی معلوماتی با امضاء تفاهمنامه، کار عملی آن با انتقال تجهیزات وسایل مورد ضرورت آن به وزارت امور داخله آغاز می یابد. وزیر مخابرات و تکنالوژی معلوماتی و یارمحمد یارمند معین اداری وزارت امور داخله این تفاهمنامه را امضاء کردند.

وزیر مخابرات و تکنالوژی معلوماتی هنگام امضاء این تفاهمنامه در مورد جزئیات و پیشرفت های این پروژه معلومات داده گفت، پروژهٔ تذکرهٔ تابعیت الکترونیکی با معیارهای جهانی آماده می گردد، تسهیلات زیادی را به وجود خواهد آورد و افغانستان اولین کشوری در منطقه خواهد بود از مزایای آن برخوردار خواهد شد.

این پروژه ظرف سه سال آینده در سراسر کشور مورد تطبیق قرار خواهد گرفت و هم ظرف ششماه آینده این تذکره ها در کابل توزیع خواهد شد.

به گفته مسوولین وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی هزینه این پروژه حدود ۱۲۰ میلیون دالر از بودجهٔ اختیاری وزارت مالیه تمویل خواهد شد.

به گفته یارمحمد یارمند معین اداری وزارت امور داخله تذکره الکترونیکی که به افغان ها هویت جهانی می دهد دارای مشخصات پیچیده می باشد که از آن هم به حیث تذکرهٔ تابعیت، کارت رای دهی انتخابات، جواز سیر، لایسنس نیز استفاده خواهد شد.

به گفته وی زمانی که رئیس خانواده فورمه اخذ و از اهلیت و شخصیت وی توسط اشخاص بانفوذ تصدیق می شود بعداً به توزیع آن اقدام می گردد و در تذکرهٔ تابعیت الکترونیکی تمام جزئیات افغان بودن و مسئلهٔ قومیت نیز در نظر گرفته شده است.

وزیر مخابرات و تکنالوژی معلوماتی در اواخر ماه جدی ۱۳۹۰ خورشیدی، که در مراسم فراغت دانشجویان انستیتوت تکنالوژی معلوماتی سخن می زد گفته بود، تا شش ماه آینده اولین تذکرهٔ الکترونیکی به رئیس جمهور کرزی داده خواهد شد.

توزیع تذکرهٔ الکترونیکی سهولتی است برای شهروندان کشور. با توزیع این کارت هویت، نفوس کشور را که سالهاست روی تخمین استوار است، روشن شود. آنچه مهم است استفادهٔ آن در انتخابات است که بتواند جلو کارت های جعلی را بگیرد.

درخت دوستی بنشانیم و نهال دشمنی را برکنیم

ثامر

میهن عزیز ما طبق چرخش طبیعت، بهاران زیادی را پشت سر گذاشته است، خصوصاً در دهه های اخیر در بیشتر نقاط، بجز اینکه در دشت ها و کوهسارها سبزه و لاله روئیده باشد، در اثر ناامنی و جنگ، به باغ و پارک و مزارع جهت سرسبز ی رسیدگی قابل ملاحظهٔ نشده است. حتا استاد سخن (شادروان استاد خلیل الله خلیلی) با مشاهدهٔ حُزن و اندوه بیش از حد مردم، باری در سرودهٔ، به نوروز این چرخش طبیعت گفته بود:

«گویید به نوروز که امسال نیاید
در کشور خونین کفنان ره نگشاید»

در یک دههٔ اخیر، با وجود ناامنی و چالش های که دامنگیر این سرزمین است، کشور رو به بهبود روان است و از نوروز و بهار طبیعت که زمستان سختی را پشت سر گذشتاندیم، استقبال می کنیم و این بهار را فال نیک می گیریم تا مردمان کشورما همانند سبزه زارها، شادمان و پرطراوت باشند، صلح و ثبات تحکیم یابد، جنگ و ناامنی ختم گردد و کبوتر سفید که سمبولی از صلح و آشتی است، بر فضای کشورما به پرواز درآید.

بهار فصل شادابی و طراوت و بالندگی و رویش و تحرک است. حتا گیاهی که در این فصل سبز نشود و نروید و خوابیده باشد دیگر مورد توجه نیست بجز اینکه از کنار سبزه زارها و باغستان ها جمع و طعمهٔ آتش گردد و یا تبدیل به خاک و خاکستر شود.

هر گیاهی گر نشد سر سبز در فصل بهار
صرف گلخن می شود وز صحنه بیجا یکطرف

و یا به گفتهٔ سعدی علیه الرحمه:

«هرگیاهی که به نوروز نجنبد حطب است»

بر هموطنان است تا به خاطر داشتن محیط زیست سالم که بدون شک اثرات آن در روح و روان و تربیت و تعلیم اهمیت به سزایی دارد، کوشا باشند و آنچه ساحهٔ که در اختیار دارند سرسبز نمایند تا از یک طرف حاصلی از آن بردارند و از جانبی، در شگوفایی محیط زیست بیفزایند.

همه می دانیم که نهال شاندن کار ساده است، اما آنچه مهم و اساسی به نظر می رسد نگهداری و حفاظت و به ثمر رسانیدن آن است. خصوصاً نهال هایی که از طرف دولت در باغ ها و جای های تفریحی و جوار خیابان ها غرص می شود، در نگهداری آن توجهٔ چندانی نمی شود، و اکثراً خشک می گردند.

نکته یی مهم دیگر، بر خانواده ها و نهادهای تعلیمی است تا به کودکان و نوجوانان در نگهداری نهال ها چه در خانه و مکتب و مکان های تفریحی و جوار سرک ها، تفهیم نمایند که این شاخه های نو قامت بر افراخته را نشکنانند و در حفاظت آن بکوشند.آب و هوا، درختان و گیاهان، غذاها و میوه ها و به طور کل طبیعت و محیط زیست، نقش بزرگی در زندگی انسان و حیوان دارند. که با داشتن محیط سالم و آب و هوای تازه، انسان شاد می شود و این شادمانی باعث سالم بودن انسان می گردد و باعث رشد استعداد و شگوفایی و توسعه و پیشرفت خود و کشور می شود.

سلامت محیط زیست بر لیاقت‌های فردی نیز اثر می‌گذارد. ما شاهد هستیم در عرصهٔ تعلیم و تحصیل اگر نظر بیفگنیم، به وضوح دیده می شود، اکثر شاگردانی که در اطراف و اکناف و دارای محیط زیبا و خُرم و آب و هوای خوب زندگی می کنند، از استعداد خوبی نسبت به شهرنشینان برخوردار اند.

دیده می شود که از زمین های شوره زار، جز گیاهان بی ارزش نمی‌روید، محیط آلوده نیز تأثیر منفی و اثرات زیانباری بر تربیت انسان دارد. بادها و نسیم های بهاری و نیز آب و هوای مناطق گوناگون بر جسم و جان انسان دارای تأثیرهای متفاوتی هستند. باد خزان بدن را پژمرده و بر عکس نسیم دلنواز بهاری روح افزاست.

ابن سینا معتقد است که «ساکنان مناطق سردسیر، نیرومند و از جرئت بیشتری برخوردارند.» این گفته نیز می رساند که، آب و هوا در رشد و استعداد انسان ها نقش عمده را دارد.

باید پیمان ببندیم که محیط خود را سرسبز بسازیم و از آلودگی نجات دهیم و در نگهداری نهال و درخت و گل و سبزه زارها، همه اقشار جامعه سهیم باشیم. و وحدت و یکپارچگی مان را حفظ کنیم. همانطوری که هزاران درخت و گل در یک باغ در جایگاه شان زیبایی خود را دارند و زیبایی آفرین آن باغ اند، ما هم در کشوری به نام افغانستان هریک با حفظ جایگاه مان، متحدانه حیات بسر ببریم و شادمان باشیم، کدورت ها را کنار بگذاریم، تا دیگران از دیدن ما همانند چمن زار ها و باغستان های سرسبز، شاد شوند به گفتهٔ حضرت حافظ درخت دوستی بنشانیم و نهال دشمنی و کدورت را برکنیم.

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد
نهال دشمنی برکن که رنج بی شمار آرد

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.

● مطالب آمده مسترد نمی گردد.

● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال یازدهم – شمارهٔ اول ۱۲ حمل ۱۳۹۱ ۸ جمادی الاول ۱۴۳۳ - 31 March 2012

تکساری

امتحان کانکور، نتائج و پیامد ها

بر بنیاد نتائج کانکور سال ۱۳۹۰، از میان ۱۴۷ هزار تن دانش آموزی که در امتحان کانکور شرکت کرده بودند نزدیک به چهل هزار تن آنان در موسسات تحصیلات عالی راه یافته اند. و از سر نوشت ۱۱۰۰۰ تن آن تا اکنون خبری در دست نیست. و این رقم نسبت به سال قبل چیزی کم ۸ در صد افزایش را نشان می دهد. ورود ۴۰۰۰۰ دانشجو به موسسات تحصیلات عالی کشور، آخرین ظرفیت را در دانشگاه ها و موسسات تحصیلات عالی نشان می دهد. و این وزارت قادر نیست بالاتر از ین ظرفیت در موسسات تحصلات عالی جذب نماید. باید گفت که این رقم درشت ۴۰۰۰۰ بالاتر از توان و ظرفیت موسسات تحصیلات عالی در کشور است. زیرا در تحصیلات عالی به این کمیت نه تعمیر وجود دارد نه استاد، نه تعمیر مناسب و افزار تدریس.

گذشته از این که کیفیت و بالا بودن ظرفیت علمی در این موسسات چیزی دیگر است که باید به آن پرداخته شود. به گفتهٔ سخنگوی وزارت تحصیلات عالی ۶۰ هزار تن باقی را وزارت معارف جذب خواهد کرد و ده هزار تن دیگر به بورسیه ها معرفی خواهند شد و هشت هزار تن دیگر آن ها به دانشگاه های شبانه جذب خواهند شد. باید گفت که بسیاری از شرکت کنندگان با وجود داشتن نمرات بلند بی نتیجه مانده اند و دلیل آن اشتباه در انتخاب و یا یک و یا دو انتخاب از پنج انتخاب بوده است. باید گفت که جذب این همه متقاضیان در موسسات تحصیلات عالی دولتی مقدور نیست و در جذب موسسات دولتی موسسات خصوصی می تواند تعدادی از این بی نتیجه ها را جذب نماید. چیزی که در اینجا قابل بحث است، این خواهد بود که مسوولیت جذب تعدادی از این دانشجویان آنهم در حدود شصت هزار تن به وزارت معارف بحث بر انگیز است. جای داشت که این دانشجویان با مشوره با وزارت معارف از طریق وزارت تحصیلات عالی نظر به تعیین ظرفیت و انتخاب دانشجو تعیین می شد. این شصت هزار تن در شرایطی به وزارت معارف فرستاده شده اند، که این وزارت کدام برنامه و طرز العمل خاص را در مورد تعیین این کمیت بزرگ به موسسات نیمه عالی تا اکنون رویدست نه گرفته است و مردم از چند و چون این رده بندی بی خبر اند. در حالی که این شصت هزار تن کدام انتخاب مشخص ندارند که این وزارت بتواند به اساس آن عمل نماید، شاید این وزارت بتواند به اساس نمرهٔ کانکور این متقاضیان تحصیلات عالی عمل نماید. و این احتمال نیز وجود دارد که تعدادی به اساس تقسیمات این وزارت به دروس خویش ادامه نداده و در نتیجه یکنوع پراگندگی در نظام آموزش و پرورش در موسسات نیمه عالی به وجود خواهد آمد.

وزارت صحت عامه و زراعت هم چنان تعدادی از این باقی مانده های کانکور را در موسسات مسلکی خویش جذب نماید. وزارت معارف اصرار می ورزد که شصت هزار داوطلب کانکور را که نتوانسته اند به نهاد های تحصیلات عالی دولتی جذب گردند به دارالمعلمین ها، تعلیمات مسلکی، انستیتوت های فنی و حرفه یی و سائر موسسات نیمه عالی این وزارت جذب می کند. وزیر معارف، که در مقام یک رهبر بزرگ ملی سخن می گوید و چنین اصرار می ورزد، « شصت هزار دانش آموز در موسسات تحصیلات نیمه عالی وزارت معارف استثنایی است، هیچ گاهی وزارت معارف، شصت هزار کامیاب شدهٔ کانکور را جذب نه کرده است، اما امسال من آن ها را جذب می کنم».

وزیر معارف در ادامهٔ سخنانش می گوید: « من در دارالمعلیمین های خود غوراتی را به غور شامل می کنم، نیمروزی را به نیمروز شامل می سازم، بدخشانی ها را به بدخشان شامل می کنم و وردکی را در وردک شامل می کنم.» موجودیت ۱۱۰۰۰ هزار تن باقی مانده از امتحان کانکور نگرانی خانواده ها را بیشتر ساخته است، هر چند ورود این همه متقاضیان به دانشگاه ها محدود نیست و دولت مکلفیت دارد تا زمینهٔ آموزش را برای فرزندان کشور تا صنف دوازدهم فراهم سازد و دولت قادر نیست و در خطوط کاری دولت جذب این فارغان به دانشگاه ها و تحصیلات عالی موجود بود و این فارغان صنوف دوازدهم می توانند به کارهای غیر از تخصص روی آورند و برای خود زمینه اشتغال را فراهم سازند. اما وظیفهٔ دولت است تا زمینهٔ اشتغال، مکاتب حرفه یی، تخنیکی و پروژه های زود رس را فراهم سازد، تا تعدادی از این فارغان به این مکاتب و پروژه های کاریابی رجوع کنند و از فشار بالای تحصیلات عالی و نیمه عالی کاسته شود.

این دشواری ها در شرایطی خانواده ها را نگران ساخته است که جنگ و ناامنی در کشور وجود دارد و از جانب دیگر پروژه هایی که بتواند زمینه های اشغال را برای این همه فارغان فراهم سازد در کشور وجود ندارد، و خطر این وجود دارد که این باقی مانده های امتحان کانکور، کشور را به سوی کشورهای همسایه ترک نمایند و یا در شکار مخالفان دولت قرار گیرند، در صورت تعدادی از این بازمانده ها از کانکور در انتظار یک سرنوشت موهوم قرار دارند و این خطر وجود دارد که برخی از این بیکاران دست به خشونت بزنند و صفوف مخالفان حکومت را تقویه نمایند. زیرا بی ثباتی به سرنوشت نسل جوان، در حقیقت پشت پا زدن به نسل آیندهٔ کشور خواهد بود.

امریکا غرامت پرداخت

فیض

سرباز امریکایی به نام رابرت بیلز، در رابطه به حادثهٔ که در اوایل ماه جاری عیسوی در قندهار رخ داد، در ۱۷ مورد به قتل عمدی متهم شده است، در پهلوی اتهامات دیگر از جمله سرکشی از قوانین نظامی، وی همچنان در شش مورد دگر متهم است که قصد کشتن افراد را کرده است.

این سرباز ۳۸ ساله در صورتی که عفو نشود، حد اقل به حبس ابد محکوم می شود و حتی امکان دارد حکم اعدامش صادر شود. بر اساس اتهامات وارد شده، او در ولایت قندهار، صبح زود روز یازدهم ماه مارچ، پایگاه نظامی خود را ترک کرده و ۱۷ تن را به شمول ۹ کودکی که در خواب بودند، به قتل رسانده است.

قبلاً تعداد افراد کشته شده در این رویداد، ۱۶ تن اعلام شده بود. این حادثه خشم مردم را در افغانستان برانگیخت. آقای کرزی نیز این حادثه را غیر قابل تحمل خواند و اوباما قضیه را تقبیح نموده به مردم افغانستان همدردی نمود.

بر اساس گزارش ها، افغانستان از امریکا خواسته است تا در محاکمهٔ این سرباز امریکایی به گونهٔ دخیل باشد، تعدادی از اعضای پارلمان کشور و



اعضای خانوادهٔ قربانیان این حادثه، خواستار آن شده بودند تا این سرباز امریکایی به قوهٔ قضایی افغانستان تسلیم داده شود. طالبان نیز گفته بودند که حملات شان را به انتقام این رویداد شدت خواهند بخشید.

اما در هفتهٔ گذشته اعلام شد که امریکا به شهداء و زخمی های رویداد پنجوایی غرامت پرداخته است که بر سر هر شهید پنجاه هزار دالر امریکایی و به هر زخمی یازده هزار دالر امریکایی داده شده است. اما تقاضای مردم محاکمهٔ مجرمین می باشد. پیش از این آقای کرزی نیز خواهان عدالت نسبت به غرامت شده بود. پیش از این، از جانب حکومت افغانستان برای هر شهید یکصدهزار و برای زخمی های حوادث پنجاه هزار افغانی پرداخته می شد. گفته می شود که توسط این سرباز امریکایی، چهار مرد، چهار زن و نه طفل کشته شده اند و یک مرد، یک زن و چهار طفل زخمی شده اند.

نگرانی سفیر انگلستان

از فساد در دستگاه دولت افغانستان



روز یکشنبهٔ هفتهٔ گذشته آقای پیتی سفیر بریتانیا در کابل، با نگرانی از این که پول های مساعدتی کشورش به افغانستان نباید حیف و میل و ضرف خریداری حویلی ها و خانه های قیمتی در دُبی شود، گفته است: «زمانی که ما به حکومت افغانستان پول می دهیم، باید مطمئن باشیم که این پول ها در بخش آموزش، خدمات صحی، در حمایت از نیروهای مسلح و دیگر اهداف که داریم به مصرف می رسد، نه اینکه از آن در دُبی حویلی ها، خانه های قیمتی و دیگر چیز ها خریداری شوند. می خواهم تاکید کنم، پول ما در جایی که ما می خواهیم مصرف خواهد شد.»

ویلیم پیتی، در حالی که از برخی پیشرفت ها در مبارزه بر ضد فساد اشاره کرد، فساد اداری را یک چالش بزرگ در افغانستان دانست، زیرا به گفتهٔ وی، ماموران دولتی در مقابل خدمات روزانهٔ شان از مردم رشوت تقاضا می کنند.

فساد اداری در کشور، بار سنگینی است که بار ملامتی آن را دولت و مردم افغانستان حمل می کنند. و در جهان در ردیف دوم قرار می گیرد، طعن و لعن کشورهای اعانه دهنده را می کشد، اما اقدامی عملی در این راستا از جانب دولت افغانستان صورت نگرفته است. ارگان های مشابهی با طول و عرض جهت محو فساد ایجاد شده است که به جز رسانه ای ساختن مسایل، کاری را که قانع کننده برای مردم باشد، دیده نشده است.

هر باری که کشورهای کمک دهنده بالای دولت افغانستان فشار وارد می نماید که مساعدت های شان حیف و میل می شود، دولت افغانستان خارجی ها را عامل اصلی فساد اداری در کشور می داند و به گفتهٔ آقای کرزی در بسیاری موارد قراردادی های خارجی زمینه را برای گسترش فساد در ادارات دولتی افغانستان مهیا می سازد.